

اصلاحات امانی علت اغتشاش یا قربانی اغتشاش؟

(قسمت اول)

با وجودیکه درین اواخر خوشبختانه کتب متعددی پیرامون ظهور و سقوط سلطنت غازی امان الله خان و علل آشکار و پنهان شکست نهضت امانی و پیامد های آن بنشر رسیده اند. متأسفانه بنظر میرسد عده از نویسندگان و مؤرخین محترم ما تا حال نتوانسته اند خود را از ساحه نفوذ تبلیغات تخریبی استعمار انگلیس رها کنند. اگر دیروز با استفاده از اعتقادات مذهبی عوام، و فعالیت رهبران مذهبی به عنوان ابزار علیه رژیم امانی استفاده شد، امروز هم عده از قلم بدستان ما با ناآگاهانه و یا هم شاید آگاهانه برای تیره نمودن عناصری که در خدمت استعمار قرار داشتند، بشکل دیگری به ترور شخصیت غازی امان الله خان ادامه میدهند. آنها چون امروز دیگر نمیتوانند ادعا کنند که برای دست داشتن استعمار انگلیس در سقوط نهضت امانی سندی را مشاهده نموده اند، اینبار با تکرار تبلیغات دشمن، از اصلاحات امانی بحیث حربه استفاده میکنند. امیدوارم با بازنگری موضوع اصلاحات و اغتشاشات بتوانم درین زمینه معلوماتی را خدمت هموطنان عزیز خود تقدیم کنم.

شاه امان الله خان در همان اعلامیه تاریخی ۲۸ فبروری ۱۹۱۹ خود راجع به اهدف عمده سلطنت خود گفته بود: «وقتی که ملت بزرگ من تاج شاهی را بر سر من نهاد، من عهد بستم که بایستی دولت افغانستان مانند سایر قدرت های مستقل جهان در داخل و خارج کشور آزاد و مستقل باشد. ملت افغانستان در داخل کشور آزادی کامل داشته از هرگونه تجاوز و ظلم مصئون و مردم فقط باید مطیع قانون باشند و بس. کار اجباری و بیگاری در تمام رشته ها ممنوع و ملغی است. حکومت ما در افغانستان اصلاحاتی خواهد نمود که ملت و مملکت ما بتواند در بین ملل متمدن جهان جای مناسب مقام خود را حاصل نماید. من در اجراء امور کشور مشورت را به حکم و شاور هم فی الامر رهبر قرار خواهم داد.»

بعد از حصول استقلال و کسب شناسائی بین المللی آن، که نخستین دست آورد و موفقیت سیاسی بود، غازی امان الله خان دست به ابتکار اصلاحات جامع سیاسی، اداری، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی زد.

به گفته یکی از شعرای معاصر زبان پشتو، در تاریخ افغانستان هیچ پیشوایی مثل امان الله خان به ملت و ترقی اش آنقدر علاقه دیوانه وار، عمیق، صمیمانه و صادقانه نشان نداده است. علاقه امان الله خان برای سعادت، عصری ساختن و ترقی ملتش، علاقه یک شاه نه، بلکه به علاقه یک شاعر، هنرمند و نقاش میماند که بیشتر با احساس افاده میشود. ولی از آنجائیکه ملت های خفته زبان احساس هنرمندان و شاعران خود را دیر درک میکنند، همانطور هم احساسات نیک و علاقه پاک این شاه وطن دوست خود را هنگامی درک کردند، و اشک ندامت و افسوس ریختند که او دیگر از آنها و آغوش گرم کشور عزیزش، که تا سرحد جنون به آن عشق می ورزید، بسیار دور رفته بود و امکانات بازگشتش وجود نداشت. وی دیگر با وجودی که حیات داشت، برای ملتش مرده بود، و آن زبان هائی هم که به ذکرش گشوده میشدند، یکی بعد دیگر قلم شدند. (۱)

غازی امان الله خان، ریفورم و اصلاحات را از شخص خود، اعضای خانواده، دربار و مامورین بلند پایه دولت آغاز نمود. آتشه نظامی سفارت انگلیس در کابل، در یکی از راپورهای خود از مزاحمتی یادآوری میکند که تخریب دیوار باغ ها بمنظور زیبائی شهر در ناحیه مسکونی شهر کابل ایجاد کرده و آن قسمتی از ملکیت علیا حضرت مادر شاه، سردار عنایت الله خان برادر شاه و سپه سالار محمد نادرخان را در بر میگرفت. (۲)

به گفته دانشمند افغان، آقای پیکار پامیر، او با فراست کامل میدانست که هرگاه آب از منشأ و سرچشمه گل آلود و نا پاک باشد، کوشش و تپش برای پاک کاری آن در شاخه های فرعی و پائینی، بیهوده و عبث خواهد بود. پس، در قدم نخست تعداد زیادی از زنان و کنیزان (صورتی و غیرنکاحی) امیرحبیب الله خان را مرخص کرد، با صدور فرامین پادشاهی، خرید و فروش انسان بعنوان کنیز و غلام را که از دوران اسارت بار پدر کلانش به ارث مانده بود، ملغی قرار داده بهره کشی های انسان از انسان را ننگین و شرم آور اعلام کرد. بهمین اساس، هزاران مرد و زن هزاره و نورستانی و بدخشانی و . . . که قبلاً به اثر فرمان و اجازه امیرخون آشام (عبدالرحمن خان) از بازار های کابل خریداری شده بودند، آزاد گردیدند. تعدد زوجات را ممنوع اعلام نموده و خود برخلاف رسم شاهان ماضی، با داشتن یک زن (ملکه ثریا دختر محمود بیگ طرزی) اکتفا کرد. مصارف سرسام آور دربار را کاهش

داد و خوشگذرانی و "دیگچه پزانی" و تجمل پرستی را حقیر شمرد، خودش شخصاً لباس سرتاپا ساده وطنی با پیرهن یخن بسته به تن کرد و از عموم درباریان خواست تا از عین روش پیروی نمایند. بمنظور تشویق و تقویت صنایع داخلی، استفاده از تولیدات وطنی را مرجح و مثبت دانست. شاه جوان در کار تشویق و تبلیغ مبنی بر استفاده از تولیدات داخلی تا آنجا پیش رفت که هرگاه یکی از متعلقین خودش، درباریان و مأمورین بلند رتبه اش ملبس با لباس غیر وطنی یا اروپایی می بود، فوراً توسط قیچی و بدون رعایت حتی ظاهر امر، لباس او را قطع و پارچه میکرد تا تنبیه شوند. موصوف معاشات مستمری، امتیازات قومی و درباری و حتی "استحقاق" طعام فامیلی سر دارانی را که از سالها بدینسو از آشپزخانه داخل ارگ شاهی برایشان فرستاده میشد، قطع نموده، زنده گی طفیلی آنان را به مسخره گرفت و اظهار داشت که کسی که کار نکند و زحمت نکشد، نباید دارای امتیاز و استحقاق باشد.

(۳)

اهداف اصلاحات دوره امانی

به پیروی از آرمانهای جنبش مشروطه خواهی، که امواج آن در رساندن امان الله خان به کرسی اقتدار نقش داشت، ایجاد یک نظام جدید سیاسی از اولویت های امان الله خان بود. خواسته های جوانان افغان در پهلوی حصول استقلال کامل سیاسی کشور، اصلاحات در امور اداری و تشکیل یک حکومت مشروطه، که شاه در آن مطلق العنان نباشد و مردم هم در تصمیم گیری نقش داشته باشند، را در برداشت. گرچه مشروطه خواهان تا سال ۱۹۲۸ موفق به تشکیل کدام حزب سیاسی نشدند (۴)، اما آزادانه به فعالیت های سیاسی خود دوام داده و روحیه انتقاد و قضاوت آزاد در برابر دولت را در بین جوانان پرورش دادند. (۵)

اهداف عمده اصلاحات دوره امانی در قدم اول تأمین وحدت ملی و بعد از آن ترقی، انکشاف و پیشرفت مملکت بود. شاه امان الله خان توجه زیادی به ایجاد یک دولت مستقل مرکزی، دوری از قبیله گرایی و موضوعات مربوط به قانونیت و مشروعیت داشت، و به همین منظور شخصاً سفر هائی به مشرقی (دوبار)، قندهار، مزار شریف و قطعن داشت. ضمن تفتیش دوائر دولتی خود را از شیوه های تطبیق قانون آگاه میساخت. درین سفرها او را مأمورین وزارتخانه های مختلف همراهی میکرد. او ازین طریق میخواست احترام به قانون را در ذهن مأمورین دولتی جایگزین ساخته و مردم را با ضرورت پیروی از قوانین نافذ شده آشنا سازد. او در پهلوی مجازات کسانی که مرتکب خلاف ورزی از قوانین میشدند، به آن مأمورینی که وظایف شانرا درست پیشبرده بودند، مکافات میداد. غازی امان الله خان کوشید تا توسط سلسله از پلان های انکشافی و اصلاحی، افغانستان را به یک کشور پیشرفته و مدرن، غیروابسته و متکی بخود تبدیل کند. اهداف عمده اکثر نظامنامه ها توجه و ایجاد یک سیستم اداره مرکزی در سطوح مختلف ملی، ولایتی، ولسوالی و حتی دهات بود. هدف بعضی از نظامنامه ها هم از یاد عواید دولتی، بهتر ساختن جمع آوری مالیه، بهبود امنیت، ارائه خدمات بسیار مهم (بشمول معارف و مکاتب نسوان، مطبوعات، و رفاه عامه)، و اصلاحات کلتوری و اجتماعی بود، تا هویت ملی افغان ها را در سطح جهانی تثبیت کند.

مراحل اصلاحات

امان الله خان پلان انکشافی اصلاحات یا تجدد و تحول خویش را، که در اسیا بی سابقه بود، در یک جامعه قبیلوی پراکنده و متفرق آغاز نمود. عواملی که در راه تطبیق اصلاحات مشکلات ایجاد میکردند، عبارت بودند از:

1. نیروی استعماری که میخواست منطقه را تحت نفوذ خود داشته باشد.
2. روحانیون و ملاهائی که در مقابل تقلیل نفوذ شان مقاومت میکردند.
3. جامعه قبایلی که در آن برخلاف دوره استبدادی امیر عبدالرحمن خان، با احیای دوباره قبایل، سخت در مقابل کنترل دولت مرکزی مقاومت میکرد.

بیخبری از مراحل مختلفه اصلاحات و برنامه های انکشافی دوره امانی (باوجود اختلاط آنها با همدیگر) سبب شده است عده زیادی از نویسندگان و مؤرخین خصوصاً تحت تاثیر رابطه زمانی بین اصلاحات و اغتشاشات، در مورد علت یا علل اغتشاشات خطای بزرگی را مرتکب شوند. وقتی جز را از کل جدامیکنند، و قسمتی از پلان اصلاحات را گرفته و از موقعیتی که در کل دارد، مجزا میسازند، تجزیه و تحلیلی که به اساس آن صورت میگردد، نادرست و دور از حقیقت خواهد بود. این اشتباه مخصوصاً در مورد آن اصلاحاتی واقع شده که تطبیق آنها به مرحله سوم گذاشته شده بود. ولی انتقاد کنندگان برنامه های اصلاحات مذکور را تطبیق شده خوانده و بعضی از آنها هم سقوط نهضت امانی را به آنها نسبت داده اند. اقبال علی شاه نویسنده کتاب "تراژیدی امان الله"، و رونالد وایلد نویسنده کتاب "امان الله - شاه سابق افغانستان" و عده از مؤرخین افغان ما در قطار این نویسندگان شامل اند.

مراحل اصلاحات و رابطه زمانی آن با اغتشاشات

اغتشاشات

اصلاحات

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاين په دريشت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادښت: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

مرحله اول: بین سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۲۳ موفق ترین مرحله اصلاحات بوده، تشکیلات حکومتی، اصلاحات امور اداری، قانونی، قضائی و تأسیس میکانیزم پارلمانی درین مرحله تطبیق شدند.

اغتشاش منگل (۱۹۲۳ - ۱۹۲۴)

مرحله دوم: یک مرحله انتقالی بین سالهای ۱۹۲۴ و ۱۹۲۸ این مرحله بعد از شورش منگل بود، که سبب سستی در سرعت پیاده کردن اصلاحات شد. درین مرحله تعداد محدود اصلاحات زیر اجرا گرفته شد، تطبیق دوام داشت، اما پیشرفت آن بطی بود.

مرحله سوم: پس از بازگشت امان الله خان از سفر اروپا

این مرحله از ماه جولای ۱۹۲۸ که غازی امان الله خان از سفر اروپا برگشت، تا جنوری ۱۹۲۹ شش ماه هم دوام نکرد. قسمت اعظم برنامه های مرحله سوم به حالت پیشنهاد باقی ماند.

مرحله سوم اصلاحات اجتماعی حکومت امانی، با بازگشت شاه از سفر طولانی اش آغاز شد. شاه که از ملاحظه تخنیک و فرهنگ غرب و بخصوص از مشاهده برنامه های پر قدرت مصطفی کمال اتاترک در ترکیه الهام گرفته بود، در جهت تطبیق برنامه های اصلاحی خود در افغانستان شتاب ورزید.

شاه نخست عناوین برجسته اصلاحات پاپلان های انکشافی مرحله سوم خود را در لویه جرگه ۱۹۲۸ مطرح و بعد از آن در خطابه معروف چهار روزه خود ابلاغ و نشر کرد. این پلان ها شامل، رفع چادری زنان، منع مریدی در اردو، ممانعت تحصیل ملایان در مدرسه دیوبند هند برتانوی، گرفتن امتحان از ملانمایان، توزیع تذکره نفوس به مردم افغانستان، جلب جوانان بخدمت سربازی، تحصیل مشترک پسران و دختران در مکاتب ابتدائی، اعزام جوانان افغان برای تحصیل به خارج، منع نکاح صغیره، تعیین سن ازدواج برای دختران (۱۸ سال) و برای پسران (۲۲ سال) میشد.

چون امان الله خان بعد از سه ماه مجبور به استعفا شد، قسمت اعظم برنامه های مرحله سوم اصلاحات هم به حالت پیشنهاد باقی ماند.

پروفسور لیون پولادا نویسنده کتاب اصلاحات و اغتشاشات ۱۹۱۹-۱۹۲۹ در افغانستان مینویسد که متأسفانه همه افسانه ها، ساخت و بافت ها، خرافات و پروپاگندهای که بعداً بر علیه اصلاحات صورت گرفت، همه متوجه برنامه های مرحله سوم بودند و اعتراض کنندگان از مؤقتیت برنامه های مرحله اول و برنامه های انجام یافته ذکری ننموده اند.

(ادامه دارد)

یادداشت ها و مأخذ

۱. غازی امان الله خان دافغانستان د خیلواکی ستوری، ص ۱۸۳.
۲. اسناد آرشیف هند بریتانوی، یادداشت های آتشفشانی نظامی سفارت کابل، ۱۹۲۳، ۳۷.
۳. پامیر، پیکار (۲۰۱۲). ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان. چاپ دوم، بنگاه انتشارات میوند، کابل، ص ۱۰۷.
۴. فرقه استقلال و تجدد در سال ۱۹۲۸ تشکیل شد. یکی از اهداف این حزب این بود که تعصبات و یا خرافاتی را که با دین اسلام مطابقت نداشتند، ولی از طریق عادات و عنعنات قدیم جزء اجراءات و عملکرد های دینی شده اند، از سیاست کشور دور سازد. هدف این حزب وضع قوانین سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یی بود که برای تأمین ضروریات عمومی مردم باشند و با ایجابات مدنیت روز تطابق نمایند.
۵. برخلاف دوره های سلطنت قبلی و بعدی، هیچ کدام از روشنفکران سیاسی افغانستان در دوران دولت امانی به حبس سیاسی یا اعدام محکوم نشد.

د پانو شمیره: له 3 تر 3